

تراژدی آموزنده یهود؟

تاریخ هیچ ملتی پر حادثه تر، جنجالی تر و غم انگیز تر از تاریخ ملت یهود نیست. سراسر زندگی این ملت را ستیزه جوئی، سرسختی، لجاجت، جنگ اعصاب، کشمکش مبارزه، در بدری و زجر و شکنجه تشکیل میدهد!

سرسختی و لجاجت و حادثه جوئی این ملت را از همان ابتدا، از طرز مکالماتش با موسی و درخواستهای عجیب و غریبش از آن پیامبر بزرگوار، از گرایشهای سریع بسوی فساد و پستی، از بهانه های بنی اسرائیلیش، از آیات و بیناتیکه موسی برای ارشاد و هدایت این قوم آورده و زحماتیکه برای استخلاصش از زیر یوغ ستمگران زمان، کشیده، و حوادثی که بعداً بر سراو آمده میتوان بدست آورد (۱)

دوران آرامش و عزت این ملت، بسیار کم و کوتاه بود، طولی نکشید که سرگردانی و گرفتاریش، شروع گردید، امپراطوری رم و حکومتهای مجاور، بر او تاختند و عزت و استقلالش را از بین برده، با قاتلش خاتمه دادند.

وما گوشه ای از این « تراژدی » را در اینجا می آوریم، آنگاه عواملی را که باعث این حوادث ناگوار گردیده در پایان این نمایشنامه تذکر خواهیم داد :

متن این نمایشنامه غم انگیز! :

گرچه در سراسر زندگی بنی اسرائیل، کشمکش و نزاع و تخاصم، بچشم میخورد، اما در میان این درگیریها مواردی دیده میشود که از لحاظ اهمیت بقدری فوق العاده است که هیچ مورخی

(۱) تاریخ در این باره حوادث زیاد و عبرت انگیزی را ثبت نموده که از آن جمله است :

درخواست دیدن خدا، گرایش به گوساله پرستی، چهل سال در تیه بودن، گذشتن از دریا، هلاکت فرعون و تابانش، و حوادث دیگری که شرح همه آنها خود نیازمند به تألیف کتاب قطوری

است .

نمی‌توانند از آنها بعنوان نمونه‌های بیرحمی و جنایت سایر ملل نسبت به ملت یهود، صرف نظر نمایند و از آن موارد است نمونه‌های زیر :

در سال ۵۸۷ قبل از میلاد، « بختنصر » پادشاه بابل، برای بار دوم، به فلسطین، حمله کرد و پس از دو سال، آنجا را تحت تصرف خود، درآورد، شهر قدس و معبد سلیمان را ویران کرد و تمام اموال و دارائی مردم را غارت نمود، و پس از یک کشتار بیرحمانه، در حدود ۵۰.۰۰۰ نفر یهودی را بعنوان اسیری به بابل، فرستاد !

« پومپی » سردار رومی، در سال ۶۳ قبل از میلاد بیت المقدس را تصرف کرد و تمام مردم آنجا را قتل عام نمود! در سال ۷۰ میلادی « تیتوس » امپراطور روم، بیت المقدس را در محاصره شدید، قرارداد، و پس از تصرف آنجا معبد سلیمان را آتش زد، و بیشتر ساکنان آنجا را سر برید، و جمعی را با خود باسیری برد و در بازار برده فروشان روم، فروخت و عده‌ای را هم طعمه درندگان ساخت و گروهی که توانستند خود را نجات دهند، در عراق، مصر، سوریه، یمن و اروپا متفرق شدند!

در سال ۱۳۵ میلادی « آدریانوس » امپراطور روم، قتل عام وحشیانه‌ای در بیت المقدس، پدید آورد و در حدود نیم میلیون نفر از مردم آنجا را کشت، و شهر را بکلی ویران کرد و گروهی را هم اسیر و آواره نمود (۱)

از قرن ۱۲ تا اوائل قرن بیستم، یهودیان اروپا از طرف ملتها و دولت‌های مسیحی، شدیداً مورد آزار و شکنجه قرار داشتند و کوچکترین بهانه‌ای کافی بود که آنها را مورد قتل و زجر قرار داده، از وطن آواره نموده و اموالشان را تملک نمایند!

در سال ۱۳۱۵ خطبه‌های یک راهب « فرنیسکانی » مسیحیان « استلا » را در « ناوار » بقتل عام پنجهزار یهودی و سوزاندن خانه‌هایشان برانگیخت: (۲)

در سال ۱۳۹۰ سخنرانیهای « مارتی نر » واعظ معروف مسیحی، کاتولیک‌های « اشبیلیه » را علیه یهودیان اسپانیای مسیحی برانگیخت و در حدود ۴۰۰۰ نفر از آنها را کشتند (۳) در همین زمانها بود که حدود ۸۰۰۰۰ نفر از یهودیانیکه به « پرتغال » پناهنده شده بودند، مقتول و مطرود شدند!

در سال ۱۲۹۰ میلادی « ادوارد » اول پادشاه انگلستان، یهودیان را از آنکشور آواره

نمود!

(۱) دائرة المعارف قرن بیستم ج ۱ ذیل کلمه اسرائیل - اليهود فی القرآن ص ۹۴ - سرگذشت

فلسطین ص ۴۳-۵۱ - فرهنگ قصص قرآن ص ۴۷.

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱۸.

(۳) اليهود فی القرآن ص ۹۵.

در سال ۱۳۰۶ فیلیپ پادشاه فرانسه آنها را آواره کرد و پس از مدتی که بیرخی از آنها اجازه معاودت داده شد، در سال ۱۳۹۴ دوباره از فرانسه رانده شدند!

در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۵۸۲ یهودیان، از مجارستان رانده و آواره گردیدند!
در سال ۱۳۷۰ یهودیان، از بلژیک، رانده شدند!

در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۷۴۴ یهودیان، از چکسلواکی بیرون رانده شدند!
در سال ۱۴۲۰ البریخت پنجم پادشاه اطریش، یهودیان را از آنجا بیرون کرد!
در سال ۱۴۴۰ یهودیان از «اوتریخت» هلند، بیرون رانده شدند!

در سال ۱۵۴۰ یهودیان را از مملکت «نابولی» و «سردینسای» ایتالیا بیرون نمودند!
در سال ۱۵۵۱ آلمانیها یهودیان را بیرون کردند و در جنگ جهانی دوم، نازیهای آلمان

صدها هزار یهودی را طعمهٔ مرگ ساختند!

در سال ۱۹۱۹ حکومت روسیه بهمکاری مردم، یهودیان آن سامان را شدیداً مورد شکنجه و آزار قرار داد و بیش از صد هزار نفر از زن و مرد و کوچک و بزرگ آنها را بقتل رسانید. (۱)

و بطور کلی در این دوره‌ها بود که بر اثر این یهودکشی‌ها درسراسر اروپای مسیحی ۵۱۰ مرکز یهودی نشین، بکلی خالی از سکنه شد، و عدهٔ بیشتری از شهرها نیز اکثریت افراد یهودی خود را ازدست دادند (۲) بقایای یهودیان نیز، ناگزیر بشکل طفیلی و سرگردان در نقاط مختلف گیتی بادامهٔ حیات، پرداختند!

چه عواملی باعث اینهمه جنایات گردیده؟!!

معمولاً کسانی که این تراژدی را میخوانند و می بینند که همواره ملت یهود، مورد شکنجه و آزار ملل دیگر بوده و بشکل افراد طفیلی و بیگانه و سرگردان میزیسته و هیچ ملتی حاضر نبوده با او کنار آمده استقلال حکومتش را تحمل نماید، روح انسان دوستیشان تحریک میشود و بر مسبین آن فجایع تنگین، نفرین میفرستند و چه بسا کسانی که با اسکان آنها در سرزمین اعراب فلسطین و پدید آوردن دولت غیرقانونی اسرائیل، بان وضع اسف بار پایان داده‌اند، آفرین، میگویند!!

ولی کسانی که در فلسفهٔ تاریخ مهارت دارند، در عین آنکه آن فجایع تنگین و آن اعمال غیر انسانی را که سایر ملل نسبت بانها روا داشته‌اند، محکوم میکنند، معتقدند که، این حوادث، از آنجا سرچشمه گرفته که سایر ملل احساس کردند که، ملت یهود خودخواه و خرابکار است و روح همزیستی مسالمت آمیز ندارد!
اوتنها خودش را ملت برگزیدهٔ خدا و دیگران را بدتر از بهائم میدانند! این ملت معتقد است

(۱) اليهود فی القرآن ص ۹۸، دائرة المعارف قرن بیستم ج ۱ ص ۲۸۶.

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۱۵۶

که تنها او گل سرسید آفرینش است و دیگران برای بهره‌دهی او آفریده شده‌اند !
 و هر موقعیکه شرائط زمانی و مکانی با او اجازه میداده از شکنجه و آزار ، از تجاوز بحقوق
 و نادیده گرفتن حقوق سایر ملل ، و پیاده کردن نقشه‌های خائنانه و خرابکارانه خویش ، خود-
 داری نمیکرده است. (۱)

روی این جهات بوده که ملت‌های دیگر ، یهود را دشمن بشریت تشخیص داده و با او معامله بمثل نمودند
 بدیهی است که احترام ، بایستی متقابل باشد ، وقتیکه دیگران همه گونه حقوق انسانی را
 برای ملت یهود قائل بوده و با آنان ، رفتار انسانی نمایند ولی آنها در مقابل آنها همه احترامها ، دیگران
 را حیوان‌نهایی بدانند که برای بهره‌دهی آنها آفریده شده و هیچگونه حقوق انسانی برای آنها
 قائل نباشند ، و در صورت امکان از اعمال هیچگونه ظلم و جنایت ، باک نداشته باشند ، شک نیست
 که این طرز تفکر و اینگونه اعمال ، خواه و ناخواه بذر کینه و دشمنی این ملت را در دل سایر ملل
 خواهد افشاند و آنان را وادار خواهد نمود که نسبت به یهودیان ، عکس العمل حاد و شدید نشان دهند
 و طبق آن شعر معروف .

دزد از جفای شحنه چه بیداد می‌کشد
 کو گردش نمیزند الا جفای خویش !
 بنابراین ، کسانیکه با خواندن تراژدی یهود ، برای او دلسوزی میکنند ، و پیدایش کشور
 اسرائیل و غصب اراضی اعراب را بکمک دول بزرگ ، عملی پسندیده و قانونی میدانند ، باید توجه
 داشته باشند که اولاً آن بدبختیها نتیجه طرز تفکر غلط و خرابکاریهای خود یهودیان است که اگر
 آنان چنان روحیه افراطی و آنگونه رفتار ناپسند ، نسبت بسایر ملل ، نمیداشتند ، هیچگاه با
 چنان عکس‌العملهای حاد و تند ، روبرو نمیشدند .

و ثانیاً هیچگاه درست نیست که گناهی موجب گناه دیگر گردد ، اگر ملل دیگر ، در مقابل
 طرز تفکر و روش عملی نادرست یهود ، عکس‌العمل حاد نشان داده آنان را مورد زجر و شکنجه و
 تبعید ، قرار دادند ، این عمل ، نمیتواند مجوز شود که یهودیان بکمک همانهاییکه در طول
 تاریخ بر آنها ستم کرده و در بدرشان ساخته‌اند ، در حدود دو میلیون اعراب فلسطین را از خانه و
 کاشانه‌شان بیرون کرده تمام دارائی و اموال آنان را تملک نمایند !

روی این حساب چه بسیار بجاست که یهودیان در مقابل اینهمه سرسختی و لجاجت ، تجدید
 نظری در طرز تفکر و روش عملی خود کرده ، با دیگران همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند : تا
 همواره ازانمیت کامل برخوردار ، و از گزند دیگران ، در امان باشند !

و قبل از هر چیز سر زمین فلسطین را بصاحبان اصلی آن بازگردانند ، و با ملل دیگر
 طوری رفتار نمایند که بتوانند بدون احتیاج به تشکیل یک دولت کوچک مانند همه نژادهای
 جهان در میان ملل دیگر زندگی نموده و با آنها همزیستی و همکاری داشته باشند .

(۱) در شماره‌های پیش ، گوشه‌ای از طرز تفکر و اعمال نابکارانه یهود را نسبت بسایر ملل
 نشان دادیم و برای تفصیل بیشتر لازم است بکتابهای زیر مراجعه فرمائید : الخطر اليهودی -
 اليهود فی القرآن - اسرار سازمان مخفی یهود - اليهود قدیماً و جدیداً .